

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای چهل و دوم (ختم قرآن)

جلسه ۱

۱۳۹۵/۱۱/۱۱

- اهمیت و ارزش ختم قرآن
- تجسم قرآن در قیامت
- علت اهمیت ختم قرآن
- باید در سال، چند ختم قرآن داشته باشیم
- تجلی کل قرآن در سوره‌ی حمد
- دوازده بهمن، یکی از مصادیق یوم الله است
- امام خمینی (ره)، شخصیتی بی نظیر
- عصر خمینی (ره)
- دو حجت زمانه‌ی ما
- مزیت و مسئولیت سنگین زندگی در دولت اسلامی

موضوع بحث، دعای چهل و دوم از صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه است که دعای امام سجاد (علیه السلام) هنگام ختم قرآن است. جلساتی را به بحث و اندیشه درباره‌ی این دعای نورانی خواهیم پرداخت.

به مناسبت دهه‌ی مبارکه‌ی فجر هم طبعاً سخنانی دارم. پس بحث ما مقداری تلفیقی خواهد بود تا مناسبت هم رعایت شده باشد.

اهمیت و ارزش ختم قرآن

در مطلع این دعای نورانی که از غرر صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه است، آمده است که این دعا هنگام ختم قرآن انشاء می‌شد: «وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ؛ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رد الله

در آغاز جلسه، یاد شهدای عزیز آتش‌نشان را گرامی می‌داریم. انشاءالله خدای متعال حشر ایشان را با اولیای خودش قرار دهد و راه و رسم آنان را در بین ملت عزیز ما پایدار قرار دهد. تعبیر رهبر عزیزمان این بود که اینها یاد فداکاری شهدا و ایثارگران دوران دفاع مقدس را در جامعه‌ی ما زنده کردند.

امشب، شب دوازدهم بهمن و شب آغاز دهه‌ی مبارکه‌ی فجر انقلاب است. به محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که صاحب اصلی این نهضت الهی هستند و نیز به همه‌ی دوستان و ارادتمندان آن حضرت، به‌ویژه رهبر عزیز و عالی‌قدرمان تبریک عرض می‌کنیم.

سنت‌های شناخته‌شده و مورد توصیه است. مؤمنان باید تلاوت و قرائت را در برنامه‌ی خود داشته باشند و تلاوت خود را از آغاز تا انجام قرار دهند.

کل قرآن کریم، یک حقیقت است و نوعی وحدت و یکپارچگی بر آن حاکم است. این مجموعه به‌عنوان یک کل مطرح است و خدای متعال خواسته است که مؤمن، این حقیقت مقدس را در چهره‌ی یک پارچه‌اش تماشا کند. جمال، کمال، شکوه، جلال و عظمت قرآن، در آن چهره‌ی کامل خود را نشان می‌دهد. قرآن به منزله‌ی شخصی است که شما او را با وجه و سیما و چهره‌ی کلی می‌توانید ببینید، بشناسید، تشخیص دهید و طرف ارتباط قرار دهید.

أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مَهْمِنًا
عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ
عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَ
فُرْقَانًا فَرَّقْتَ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ
حَرَامِكَ، وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ
شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَ كِتَابًا فَضَّلْتَهُ
لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ
عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ - تَنْزِيلًا.

در آغاز دعا می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ
إِنَّكَ أَعْتَبْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ»؛
یعنی پروردگارا! تو مرا بر ختم
کتاب خود کمک کردی. بعد
هم حضرت، قرآن را در جملاتی
توصیف می‌کنند.

ختم قرآن یکی از سنت‌های
نبوی و علوی و سجادی است.
تلاوت و قرائت از آغاز تا انجام،
یعنی از بسم الله سوره‌ی حمد
تا سنین پایانی سوره‌ی ناس، از

تجسم قرآن در قیامت

در این جلسه در مقام تبیین این روایت نیستیم.

غرض آنکه قرآن آنجا در چهره‌ی یک انسان بروز می‌کند و یک چهره‌ی کامل را نشان می‌دهد؛ پس قرآن کریم یک کل متحد، بهم‌پیوسته، نظام‌مند و دارای سیما و چهره‌ی خاص خود است. بنابراین یک سوره، به اندازه‌ی بخشی از اندام‌ها و ده سوره به اندازه‌ی ده اندام خواهد بود و کل قرآن، مانند کل اندام‌ها است. کل قرآن در بین دو جلد این مصحف قرار گرفته و همه‌ی این آیه‌ها و واژه‌ها و کلمات و حروف را با همان ترتیب و چینش خاص در بر گرفته است.

اگر خدای متعال توفیق دهد، از رهگذر این دعای نورانی و با راهنمایی امام سجاد (علیه السلام) قرآن

احادیثی در کتاب‌های روایی از جمله کافی شریف در این زمینه آمده و یکی از فصل‌های کتاب شریف کافی، «فضل القرآن» است. کتاب کافی از کتب اربعه‌ی شیعه و از اسناد اصلی و کلان است. در آن فصل، در مورد برتری و فضیلت و زیبایی قرآن کریم، روایاتی آمده است. اولین روایت آن، یک روایت طولانی از امام صادق (علیه السلام) است که طلوع قرآن کریم در روز قیامت و در چهره‌ی یک انسان را معرفی کرده است. این چهره بر هر یک از مؤمنان وارد می‌شود، او را می‌شناسند و احساس می‌کنند که قبلاً او را دیده‌اند. در ادامه‌ی روایت بیان شده که قرآن به محضر اولیا، انبیا و فرشتگان می‌رود، خود را عرضه می‌کند و گفتگوهای مطرح شده که ما

کریم را بیشتر بشناسیم و از مسیر این راهنمایی، با آداب، فضیلت و حقیقت قرآن آشنا شویم. این دعا خیلی عجیب است و حاوی معارف فرازمند و بسیار باشکوه است. حضرت در این دعا در قالب واژه‌ها و کلماتی، عوالم قرآن کریم را بیان می‌کنند و نوعی رمزگشایی است.

علت اهمیت ختم قرآن

راز ختم قرآن چیست؟! راز ختم قرآن، ارتباط با کل قرآن و تماشای چهره و سیمای قرآن است. یک وقت شما از یک پیکر دست را یا پا را دیده‌اید، ولی وقتی دیگر کل را به تماشا نشسته‌اید. در این کل است که حقیقت تجلی می‌کند و سیما و چهره و تناسب و زیبایی و جلال و جمال خود را نشان می‌دهد. برای این که تو آن چهره را ببینی، باید با این کل ارتباط بگیری و نمی‌شود فقط با یک بخش ارتباط داشته باشی و گمان

عنوان‌گذاری این دعا نیز دقیق است و به ختم قرآن اشاره دارد. در ابتدای دعا به ختم قرآن اشاره شده است و حضرت در مقام دعا به پروردگار متعال می‌گوید که تو به من کمک کردی تا قرآن را ختم کنم. به همین دلیل ختم قرآن موضوعیت دارد. یک وقت صحبت از تلاوت قرآن است که ممکن است بعضی

می‌رسیدم، در آن فکر و اندیشه می‌کردم». [۲]

البته هر کس ظرفیتی دارد و تلاوت قرآن بنا است در یُسَر انجام شود. بعداً برای شما خواهم گفت که «تیسّر» در آیه‌ی «فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ [۳] پس هر چه از [قرآن] میسر شد، تلاوت کنید» معنا دارد و این‌گونه نیست که هر کس به هر میزان که خواست، وسع خود را تعیین کند. سیره‌ی اولیای خدا و پیروان درجه یک آنان که صدرنشین آنان در زمان ما، امام راحل عظیم‌الشأن است، ختم قرآن در روزهای محدود بوده است.

بنابراین کلمه‌ی «ختم» یادتان باشد و این کلمه به این معنا است که کل قرآن را باید تلاوت کنید.

کنی که کل را دیده‌ای. به همین دلیل، ختم کل قرآن توصیه شده است. قرائت و تلاوت، سیره‌ی جاری انسان مومن است اما برنامه داشتن برای ختم قرآن، موضوعیت دارد.

در سیره‌ی اولیای خدا ختم مکرر، به حسب ظاهر، موضوعیت دارد و نمونه‌های جالبی در این باره داریم. امام رضا (علیه السلام) در ازای شعر دعبل، پیراهن خود را به‌عنوان صلّه به او تقدیم کردند و فرمودند: «من با این پیراهن، هزار ختم قرآن انجام داده‌ام». [۱] در روایت دیگری آن حضرت فرمودند: «من هر سه روز، یک ختم قرآن انجام می‌دهم. اگر می‌خواستم زودتر از سه روز آن را به پایان برسانم، می‌توانستم؛ اما نخواستم چنین کنم؛ زیرا در موقع تلاوت به هر آیه که

باید در سال، چند ختم قرآن داشته باشیم

یکی از اموری که باید رعایت شود، موالات است؛ یعنی کسی که عرفاً نگاه می‌کند، بگوید شخص در حال نماز است. اگر کسی یک قسمت را آن قدر طولانی کند که فاصله بیفتد و معلوم نباشد نماز می‌خواند، از حالت موالات خارج می‌شود. در ختم قرآن باید موالات رعایت شود تا این چهره دیده شود. ما نمی‌خواهیم صرفاً ثواب ببریم، بلکه می‌خواهیم جمال قرآن کریم را در این کل مشاهده کنیم و لازم‌هاش آن است که در تلاوت توالی داشته باشیم. این توالی باید به گونه‌ای باشد که در زمانی مناسب و متناسب با ظرفیت اشخاص، یک ختم انجام شود.

برخی‌ها را می‌شناسم که در ماه مبارک رمضان، سی ختم قرآن

معمولاً در ماه مبارک رمضان، کل قرآن را تلاوت می‌کنیم و در هر روز، یک جزء می‌خوانیم. بعد از ماه مبارک هم گاهی تصمیم می‌گیریم که بعد از ماه مبارک رمضان همین کار را انجام دهیم. از روز اول شوال شروع می‌کنیم تا بتوانیم طی یک سال یک ختم قرآن داشته باشیم؛ یعنی یک ماه در یک طرف و کل آن یازده ماه در طرف دیگر! اما جنابعالی از ماه مبارک رمضان تا به حال، چند بار قرآن کریم را ختم کرده‌اید؟ ممکن است کسی بگوید هنوز یک بار هم نشده است یا دیگری بگوید شروع کرده‌ام، اما هنوز تمام نشده است. این فاصله‌ی زیاد نشان می‌دهد که توالی از دست رفته است. در نماز،

رمضان داشت؛ چراکه ماه مبارک رمضان، آغاز سال اهل قرآن است. این یک ملاک است تا ببینیم ارتباط ما با کل قرآن بما هو کل چگونه است. امشب خود را در پیشگاه قرآن کریم و خدای متعال محاکمه کنید تا ببینید باید به خود جایزه دهید یا خود را مجازات کنید.

پس این جلسه درباره‌ی ختم قرآن است که موضوعیت دارد و توالی آن مهم است. این ارتباط باید حفظ شود؛ چراکه در این ختم، رازی نهفته است که، تماشای کل است. اینجا البته حرف‌ها و اسراری است که بماند؛ مثلاً بین نزول تدریجی و دفعی از این جهت تفاوت‌ها و ملاحظاتی است. مؤمن در طول عمر خود، در جستجوی نزول دفعی است و تلاوت‌ها و ختم‌های مکرر دارد تا

دارند. خود شما هم معمولاً یک ختم قرآن در ماه رمضان دارید. در غیر ماه رمضان، حداقل هر دو یا سه ماه یک‌بار، یک ختم قرآن باید داشته باشید تا این توالی حفظ شود و گسسته نشود.

حضرت اینجا فرموده‌اند: «علی تلاوه القرآن» یا «علی قراءه القرآن»؛ بلکه فرموده‌اند: «علی ختم القرآن». معنای ختم کاملاً شفاف است و به قرائت از آغاز تا پایان ترجمه می‌شود.

دعاهایی از ائمه (علیهم السلام) برای آغاز و پایان تلاوت قرآن وارد شده که در برخی مصاحف آمده است.

امشب محاسبه کنید و ببینید در ختم قرآن چه کاره‌اید و چه کرده‌اید. باید محاسبه‌ی جدی براساس شاخص ماه مبارک

هفت گانه، به سوره‌ی مبارکه‌ی حمد اشاره دارد. در سوره‌ی حمد چه خبر است؟! هفت گانه را با تعبیر «مثنایی» می‌گویید به این معنا که گویا یک نزول مستقل و جداگانه، و یک نزول همراه با کل قرآن داشته است؛ به این معنا که سوره‌ی حمد برای خودش شخصیت مستقلی دارد. از همین جهت است که به سوره‌ی مبارکه‌ی حمد، «مثنایی» و «ام الكتاب» می‌گویند.

هرچه در آیات و مضامین آنها سیر داشته باشید، برداشت کنید و پیش روید، در سوره‌ی حمد به شما تحویل داده می‌شود. اگر کسی بگوید خواندن سوره‌ی حمد برای او فایده‌ای نداشته، معلوم می‌شود برداشت و توفیقی نداشته است. سوره‌ی حمد خلاصه‌ی قرآن و «ام الكتاب» است. در آینه‌ی حمد

به آن نزول دفعی برسد. مؤمن به این فکر می‌کند که قرآن کریم در هیئت کلی و ترکیبی خودش بر قلب و روح او نازل شود. آیا چنین چیزی امکان دارد؟! آرزوی مؤمنان و اولیای الهی در این تلاوت‌ها و مراجعات و تدریس و تدرّس و تعلیم و تعلّم‌ها، همین است.

تجلی کل قرآن در سوره‌ی حمد

خدای متعال یک آینه به انسان مؤمن داده است که اگر آن چهره‌ی کل را دیده و با آن انس گرفته باشد، در این آینه می‌تواند آن جمال و کمال را ببیند. دلیل این سخن، این آیه است: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» [۱] و به‌راستی به تو سبع المثنایی و قرآن بزرگ را عطا کردیم». سبع مثنایی، یعنی

دوازده بهمن، یکی از مصادیق یوم الله است

امشب و فردا، شب و روز خیلی بزرگی است. این برادر شما سعی می‌کند حرف مستند و حساب‌شده بزند و بنا نیست واژه‌پردازی و گرافه‌گویی کنیم. من بر اساس یقین عرض می‌کنم که از مصادیق اعظم یوم الله که در قرآن کریم به آن اشاره شده، [۷] روز دوازدهم بهمن سال ۱۳۵۷ است. خدای متعال در یوم الله، اسراری گذاشته است که در تکرار سالانه‌ی این روزها تکرار می‌شود.

فاصله‌ی ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن جالب است و بعد از آن نیز ۱۲ فروردین قرار دارد. یک دهه اینجا داریم و یک روز خاص آنجا. آن روز متأسفانه به دلیل آنکه در ایام نوروز قرار گرفته، اصلاً دیده نمی‌شود.

می‌شود جمال کل قرآن را تماشا کرد.

برخی سوره‌های قرآن کریم، ظرفیت‌های خاصی دارد که در آنها می‌شود بخش اعظم این چهره را تماشا کرد؛ مثلاً درباره‌ی سوره‌ی مبارکه‌ی توحید وارد شده که سه بار تلاوت سوره‌ی مبارکه‌ی توحید، به منزله‌ی قرائت کل قرآن کریم است. [۵] البته این به آن معنی نیست که تنبلی کنیم؛ بلکه به ظرفیت‌های معنایی و رازهای خاصی اشاره دارد که در آن سوره آمده؛ چنان‌که در مورد سوره‌ی مبارکه‌ی زلزال بیان شده است که اگر چهار بار تلاوت شود، به منزله‌ی تلاوت کل قرآن است. [۶]

امام خمینی (د^ه)، شخصیتی بی‌نظیر

می‌شناسند. همه‌ی ما خمینیون هستیم و ان‌شاءالله باشیم. آنها که با این مرام و طرز تفکر همراه باشند، با او شناخته می‌شوند و او که شخصیتی عظیم و عارف و عامل است، پرچم‌دار بخش اخیر عصر غیبت است.

اگر انسان بخواهد امام راحل را بشناسد، راهی جز قرآن ندارد و رهبر عزیزمان این کار را کرده است. امام ولیده‌ی قرآن کریم است و از رحم قرآن کریم متولد شده است. آقا در اولین سالگرد رحلت امام، پیام چهل‌صفحه‌ای دارند که خاص، خواندنی و متفاوت است؛ حتماً به آن رجوع کنید و آن را بخوانید. ایشان در آن پیام از قرآن کریم وام می‌گیرد و می‌گوید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ

خداوند تبارک و تعالی اراده کرد تا یک بار دیگر پس از قرن‌ها، بشریت، دورنمایی از حقیقت انسان کامل را تجربه کند. این شخصیت عظیم‌القدر و بی‌نظیر پس از سلسله‌ی معصومین و انبیا، خمینی کبیر، از معجزات اسلام، قرآن و امام عصر (علیه السلام) است. او کسی بود که توانست با آن کل ارتباط بگیرد و جزء معدود شخصیت‌هایی است که قرآن کریم با کلیت خود بر قلب مقدسش طلوع کرد و این کشف تام برای او رخ داد. این مسئله، برای مردمان زمان ما خیلی عجیب نیست؛ چراکه شاهد هستند که آن شخصیت بزرگ، مبدأ عصر و تاریخی جدید شد که تا ظهور به نام او شناخته می‌شود و این عصر را با او

«فَسَوْفَ» [۹] یعنی رویشی خواهد بود، اما طول خواهد کشید. این قوم با این امام تعریف می‌شود و شناسه‌اش این است که او را قوم خمینی و امت خمینی می‌نامند.

من شیخ زکراکی را بسیار دوست دارم و یکی از آرزوهایم این است که ایشان را دوباره ببینم. یکی از وظایف ما این است که هر شب برای این نمادها، یعنی زکراکی،

سیدحسن نصرالله و... دعا کنیم. به شیخ زکراکی و گروهشان در نیجریه، خمینیون می‌گویند و از همان روز اول با این نام در نیجریه شناخته می‌شدند.

این عصر تا ظهور با نام خمینی نامیده می‌شود. این تحول، بیداری و انرژی که او پشت سر این نهضت گذاشت، ان‌شاءالله این نهضت را تا آستانه‌ی ظهور

الزَّكُوَّةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْاَبْصَارُ؛ [۸] مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرورو می‌شود، می‌هراسند». در سیر آن پیام نورانی، چند بار دیگر نیز به قرآن کریم مراجعه کردند.

عصر خمینی (ره)

واقعاً امام کلمه‌الله و آیت‌الله بود؛ رضوان خدا بر او باد. امام مانند یک روح بود که در پیکره‌ی خواب بی‌جان مندرسی دمیده شد و این خفته را بیدار کرد و ایران عزیز ما با وجود نازنین او، آن قومی شد که قرآن کریم از آمدنشان بشارت داده بود. به قوم صدر اسلام گفته شده بود:

می‌برد و این نیز ساخته و پرداخته‌ی حضرت حجت بن الحسن العسکری (علیه السلام) است. گاهی انسان نگران می‌شود که مبالغه کند؛ وگرنه بیش از اینها درباره‌ی آن عزیز سخن می‌گفتم.

یک مربی کامل که زمان خواهد برد تا شناخته شود، یعنی حضرت شاه‌آبادی، خضر راه شد تا اسرار را به او بگوید و این موسی با ید بیضای خود تجلی کند و به مصاف فرعون و فرعونیان برود.

دو حجت زمانه‌ی ما

یکی از معجزات بزرگ این است که خمینی تکثیر و جوان شد و دوباره به صحنه آمد. شعار «خامنه‌ای، خمینی دیگر است»، نشان‌دهنده‌ی فهم ملت ایران است. شعارهای انقلاب اسلامی، عادی نیست و بر اساس یک کشف است. شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» یک شعار عادی نیست و فهم‌های کلان یک ملت است که به شعار تبدیل شده و بر زبان‌ها جاری گشته است. بدبخت‌ها در این رؤیا بودند که با رفتن

حکایت، حکایت یک رژیم استبدادی بالای سر یک ملت نبود. این مرد چنان ضربه زد که تمام جریان استکبار سیلی خوردند. امام گفتند آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. بعدها فهمیدند که این شخص، عادی نبوده است و به همین دلیل، آنها عالی‌ترین گروه‌های روان‌شناسی را گذاشته‌اند تا نحوه‌ی بیان، خطوط چهره و موج سخنان امام را بررسی کنند.

باید به حساب خودمان برسیم. حجت با خمینی و خامنه‌ای بر ما تمام شده است.

خدا، آقای آیت‌الله اشتهاردی را رحمت کند که از استادان سرشناس حوزه و از عارفان و سالکان بودند. درعین حال، خیلی متواضع بودند. من چند سفر با ایشان همراه بودم و چه فیضی از آن سفرها بردم! جمعی از استادان حوزه و ائمه‌ی جمعه و نمایندگان ولیّ فقیه، در حدود یک هفته با هم بودند. ایشان هم چون از استادان حوزه بودند، تشریف آوردند. گویا کسی در گوش من گفته بود حواست به آقا باشد. ایشان از افرادی بودند که نگاهشان انسان را متوجه می‌ساخت. آیت‌الله اشتهاردی با لهجehی قشنگ خود می‌گفت: «آقای خامنه‌ای نسبت به آقای خمینی،

امام، انقلاب از هم می‌پاشد؛ اما ناگهان به خود آمدند و دیدند که همان دست، چنان اینها را گرفته است که نفسشان بالا نمی‌آید.

الحمدلله زمانه‌ی ما، زمانه‌ی بسیار خوبی است. وای به حال کسی که در این روزگار زندگی کند، اما با روح این عصر ارتباط نگرفته باشد. بدانید در عصری که حجت، در آن طلوع خاصی دارد، متناسب با آن بر ما احتجاج می‌شود. بر مردمان زمان ما با امام خمینی احتجاج خواهد شد. او مسیح بود و نفسش این همه آدم را به اعلا رساند. باید برای شخصیت، اخلاق و همت خودمان حجت درست کنیم. خانواده‌ی شهدا پیش خدای متعال حجت دارند. اما ما چه داریم؟! این بیچاره و این کمتر از ذره چه حجتی برای خود دارد؟!!

به منزله‌ی جلد دوم کتاب است». شاید منظور ایشان این بوده که با همین آقا به جاهایی خواهیم رسید. این صحبت یک فقیه مسلم سرشناس است که بسیاری از بزرگان فعلی، شاگردان ایشان بوده‌اند. یک بار در سال ۷۴ یا ۷۵، در جمعی به‌زور ایشان را نشانده و گفتند: می‌شود ما را نصیحت کنید؟ ایشان بعد از چند جمله همین مطلبی را که گفتم، فرمودند.

بکشانید؛ اما در کنار آن مسئولیت سنگینی نیز بر عهده دارید؛ چراکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سَاعَةٌ إِمَامٌ عَادِلٌ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً؛ [۱۰] یک ساعت امام عادل از عبادت هفتاد سال بهتر است». ببینید چه توسعه‌ای در عرض زندگی شما داده شده است که یک ساعت از زندگی شما برتر از هفتاد سال زندگی زیر بیرق سلطنت طاغوت است. اینکه افضل گفته‌اند، خواسته‌اند مراعات کم‌فهمی مرا بکنند؛ همان‌گونه که در سوره‌ی قدر فرمود: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؛ [۱۱] شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است».

مزیت و مسئولیت سنگین زندگی در دولت اسلامی

زندگی در این عصر، هم افتخار دارد و هم مسئولیت. برخی از شما در همین عصر متولد شده‌اید؛ خوشا به سعادت شما! می‌توانید تولد و زندگی در این عصر را به رخ همه‌ی انسان‌های قبل از خود

در زمان امام عادل هر چه کار کنید، باز میدان دارید. سیر و سلوک مؤمن در این زمان سرعتی فوق‌العاده دارد و معلوم

تمام‌نشدنی شکل گیرد. در غیر این صورت، یک انسان معمولی و کم‌خاصیت می‌شوید که مشغول زندگی خود است.

می‌شود که امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، یک تجلی سحرگامی داشته و از آن، فجری در آستانه‌ی ظهور ایجاد شده است.



انشاءالله روز طلوع خورشید را ببینیم. می‌بینید که این فجر چه به روز مستکبران عالم آورده است! این ترامپ پلید سیاه‌رو، در این کاخ سیاه، آمریکا را بیش از پیش، به روز سیاه خواهد نشانند. دائماً از باطن آمریکا رونمایی می‌شود. ما البته مقداری بی‌حال و کم‌عرضه هستیم؛ وگرنه این عصر خیلی منفتح و باز است و هر چه بخواهید، می‌توانید کار کنید و اثرگذاری داشته باشید. راهش این است که با روح خمینی و خامنه‌ای اتحاد پیدا کنید تا با حقیقت امام عصر، متحد شوید. این اتحاد باعث می‌شود در وجود تو انرژی

منابع و مأخذ

[۱۰]. حر عاملی، وسائل الشیعه،
ج ۱۸، ص ۳۰۸.

[۱۱]. قدر: ۳.

[۱]. شیخ طوسی، امالی، ص ۳۵۹.

[۲]. شیخ صدوق، امالی، ص ۶۶۰.

[۳]. مزمل: ۲۰.

[۴]. حجر: ۷۸.

[۵]. قطب‌الدین راوندی، الدعوات،
ص ۲۱۸.

[۶]. شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا
(علیه السلام)، ج ۱، ص ۴۱.

[۷]. سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیہ‌ی
۵.

[۸]. نور: ۳۷.

[۹]. مائده: ۵۴.



افوغها؛ درنگی بر مسائل تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۲ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجمع فرهنگی شهدای هفتم تیر